

خارج الفقہ

۲۷-۱۰-۱۴۰۱ فقه اکبر ۲

۵۲

(مکتب و نظام قضایی اسلام)

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

امکان‌النصب العام

- مردم و ولایت فقیه
- هر چند برخی کوشیده‌اند نظریات گوناگونی از علمای اسلام پیرامون مسئله‌ی حکومت اسلامی، ارائه دهند و این تصور را ایجاد کنند که «نظریه‌ی ولایت فقیه» یکی از چند نظریه‌ی موجود در این باب است که خود به دو شاخه‌ی کوچکتر: «نظریه‌ی انتصاب» و «نظریه‌ی انتخاب» تقسیم می‌شود،

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- ولی آنچه از سخنان فقیهان بر جسته‌ی گذشته تا حال نقل شد، به خوبی نشان می‌دهد که تنها نظریه‌ی پذیرفته شده در میان آنها، «نظریه‌ی انتصاب فقیه، به عنوان ولی و زمامدار» بوده و هست و اگر نظریات دیگری در این زمینه ابراز شده، مربوط به چند دهه‌ی اخیر تاریخ اندیشه‌ی شیعی و بیشتر از سوی کسانی بوده است که از نام‌آوران صحنه‌ی فقاہت محسوب نمی‌شده‌اند. (۱۶۲)
- (۱۶۲) البته برخی از فقیهان متأخر نظریاتی مانند «انتخاب فقیه از سوی مردم به عنوان ولی» یا «نظارت فقیه بر امور حکومتی» یا «ولایت غیر فقیه به نصب از جانب فقیه» را مطرح کرده‌اند.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب‌العام

- ادله‌ای که گذشت، همگی حکایت از انتصاب فقیه به عنوان ولی دارد و هیچ فقیه آگاه از ضوابط اجتهاد، در این مطلب تردیدی ندارد.
- البته برخی تحقق چنین چیزی را - که هر کس به مقام فقاہت نائل شد، ولایت داشته باشد - محال دانسته و روایات را که ظهور در «ولایت بالفعل» دارد و خود آنها نیز به این نکته اعتراف دارند، حمل بر «ولایت شأنی»

نموده‌اند.
ولایت و ذیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- یعنی در واقع پذیرفته‌اند که ظهور اصلی و اولی روایات، «نظریه‌ی انتصاب» را ثابت می‌کند، ولی چون چنین چیزی در نظر عقل محال است، می‌بایست این اخبار را بر خلاف ظاهرشان حمل بر صلاحیت و شأنیت نمود و گفت: شارع در این روایات به بیان این نکته پرداخته است که فقها صلاحیت زمامداری جامعه اسلامی را دارند. اما این امر که از بین فقها چه کسی زمام امر را به دست می‌گیرد، در این روایات تبیین نشده و تعیین آن به انتخاب مردم و نهادده شده است. (۱۶۳)
- (۱۶۳) منتظری، ولایت الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۹ - ۴۰۸.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- در پاسخ به این سؤال که چرا انتصاب فقها به عنوان زمامدار محال است؟ گفته‌اند: اگر در یک زمان، تعدادی فقیه واجد شرایط (۱۶۴) یافت شود، پنج احتمال برای نظریه‌ی انتصاب وجود دارد:
 - ۱. هر یک از آنها به تنهایی از سوی امامان معصوم‌علیهم‌السلام به عنوان زمامدار نصب شده باشد و بتواند مستقلاً در این زمینه عمل کند.
 - ۲. همگی برای زمامداری برگزیده شده باشند، اما تنها یک نفر از آنها بتواند اعمال ولایت کند.
 - ۳. تنها یکی از آنها برای زمامداری گمارده شده باشد.
 - ۴. همگی به عنوان ولی گمارده شده باشند، اما اعمال ولایت هر یک مشروط به موافقت دیگران باشد.
 - ۵. مجموع آنها به عنوان زمامدار منصوب شده باشند، به گونه‌ای که همگی با هم به منزله‌ی رهبر و زمامدار واحد تلقی شوند. نتیجه‌ی این احتمال با احتمال پیشین یکسان و در عمل به یک چیز بازگشت خواهند کرد.
- (۱۶۴) مقصود فقیه‌ی است که شرایط ولایت را داراست.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- سپس گفته‌اند: تمام این احتمالات باطل است:
- احتمال نخست مستلزم هرج و مرج در جامعه خواهد بود، زیرا هر فقیه ممکن است در یک مسئله نظری مخالف دیگران داشته باشد و در این صورت نظم جامعه بر هم می‌خورد و هدف از تشکیل حکومت که انتظام امور و هماهنگ ساختن اجزای مختلف جامعه است، حاصل نمی‌شود و این امر با حکمت حکیم متعال سازگار نیست.
- در احتمال دوم، راهی برای تعیین کسی که می‌تواند اعمال ولایت کند، وجود ندارد. از سوی دیگر، ولایت سایر فقها، غیر از او، لغو و بی‌فایده و جعل آن از سوی حکیم، قبیح و نابجا خواهد بود. به همین بیان بطلان احتمال سوم نیز آشکار می‌گردد.
- دو احتمال چهارم و پنجم نیز به دلیل مخالفت با سیره و روش عقلا و مؤمنین باطل می‌باشند. افزون بر این، کسی چنین احتمالی را نپذیرفته است. (۱۶۵)
- (۱۶۵) ر.ک: منتظری، ولایة الفقیه، ج ۱، صص ۴۱۵ - ۴۰۹.

**ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱**

امکان‌النصب العام

- به این اشکال پاسخ‌های گوناگونی داده شده است. برخی از آنها عبارتند از:
- ۱. همه‌ی فقها برای زمامداری تعیین شده‌اند. از این رو، بر عهده گرفتن این منصب بر همه‌ی آنها «**واجب کفایی**» خواهد بود. به این معنا که هرگاه یکی بر این مهم مبادرت ورزد، تکلیف از دیگران ساقط می‌شود. (۱۶۷)
- (۱۶۷) ربک: جوادی آملی، ولایت فقیه (رهبری در اسلام)، ص ۱۸۶.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- ۲. مسئله ولایت مانند مسئله نماز جماعت نیست، تا هر عادل‌ی بتواند عهده‌دار سمت امامت آن باشد، بلکه ولایت در مرتبه‌ی نخست وظیفه‌ی کسی است که اعلم، اتقی، اشجع و با تدبیرتر از دیگران باشد. (۱۶۸)
- (۱۶۸) همان، ص ۱۸۷.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

• البته پاسخ نخست، افزون بر اینکه در احکام تکلیفی راه دارد، نه احکام وضعی مانند ولایت (۱۶۹)، نمی‌تواند اشکال را حل کند. زیرا واجب‌کفایی قبل از مبادرت بر همه‌ی افراد مزبور واجب است. از این‌رو، همان احتمالات پنج‌گانه نسبت به آن تکرار می‌شود و اشکال باز می‌گردد!

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

- (۱۶۶) عملی که بر مجموعه ای از افراد واجب باشد و با اقدام برخی از آنها از دیگران ساقط شود، «واجب کفایی» نامیده می شود.
-
- (۱۶۹) حکم تکلیفی «در شریعت حکمی است که مستقیماً به عمل اختیاری مکلفین ارتباط دارد. احکام تکلیفی محصور در پنج قسم است: ۱. وجوب، ۲، حرمت، ۳، استحباب، ۴. کراهت، ۵. اباحه، «حکم وضعی» حکمی شرعی است که به صورت مستقیم به عمل اختیاری مکلفین ارتباط ندارد ولی به گونه ای غیر مستقیم با آن رابطه برقرار می کند. احکام وضعی محدود به عدد خاصی نیستند. احکامی مانند نجاست، طهارت، جزئیت، شرطیت، قیمومت، و ولایت در زمره ای این احکام می باشند.
- (۱۷۳) برخی وجود انتخاب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را دلیل بر پذیرش «نظریه ای انتخاب» دانسته اند که با این بیان بطلان ادعای آنها آشکار می شود.
- (۱۷۴) برخی با الگو قرار دادن بعضی از مکاتب فلسفه ی سیاسی، مانند «نظریه ی وظیفه ی توماس هابز»، سعی کرده اند نظریه ی انتصاب را توجیه و نقش مردم را در کارآمدی خلاصه کنند که این گونه نظریات یا روح مباحث اسلامی و از جمله ولایت فقیه سازگاری چندانی ندارد.
- (۱۷۵) ر.ک: منتظری، ولایت فقیه، ج ۱، صص ۵۳۲ - ۵۳۱.
- (۱۷۶) ر.ک: مهدی حائری یزدی، حکمت و حکومت، صص ۶۵ - ۶۴.
- (۱۷۷) همان، صص ۱۷۲ - ۱۷۱.
- (۱۷۸) ر.ک: مهدی حائری یزدی، حکمت و حکومت، صص ۱۰۷ - ۱۰۰.
- (۱۷۹) که این مطلب در روایت «من أحميا أرضا ميتة فهي له» بیان شده است. (ر.ک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۱، حدیث ۱۰).

امکان‌النصب العام

- پاسخ دوم، افزون بر نبود دلیل بر آن، بر فرض تساوی دو نفر از جهات مزبور، با مشکل مواجه می‌شود و چنین تساوی‌ای هر چند به گمان برخی در عالم واقع نادر است، ولی از نگاه خود آن اشخاص یا طرفداران آنها، امکان وقوع آن فراوان می‌باشد. (۱۷۰)
- (۱۷۰) یعنی هر یک از آنها یا طرفدارانشان، آنان را اعلم، اتقی، و اشجع می‌دانند.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- از سوی دیگر، این پاسخ نوعی پذیرش اشکال و قبول اختصاص نصب به فقیه اعلم، اتقی و اشجع است، نه سایر فقها.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- با این همه، اشکال مزبور قابل حل است؛ زیرا همه فقها قبول دارند - و اطلاق ادله‌ی ولایت فقیه نیز همین را اقتضا می‌کند - که اگر رهبر و ولی حکمی کرد، بر همگان حتی سایر فقهای که واجد ولایت هستند، اطاعت از آن واجب است.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

- همچنین اگر فقیه تصدی بخشی از امور ولایتی را بر عهده گرفت، دخالت سایرین، حتی فقهای واجد ولایت، در آن حوزه جایز نیست.

امکان‌النصب العام

- با این وصف، ما با پذیرش احتمال نخست از احتمالات پنج‌گانه - یعنی این مطلب که تمامی فقهای واجد شرایط دارای مقام ولایت می‌باشند - مشکل پیدایش هرج و مرج را با توجه به همین دو نکته: ۱. لزوم اطاعت از حکم رهبر و ولی بر همگان حتی سایر فقها ۲. عدم جواز دخالت سایرین حتی فقها در حوزه‌ی تصدی یک فقیه، منتفی می‌دانیم.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- بنابراین، نظریه‌ی انتصاب فقیه به ولایت - که نظریه‌ی بیشتر فقهای بزرگ شیعه، از جمله حضرت امام خمینی(ره) و موافق ظاهر ادله‌ی ولایت فقیه است - با اشکالی در عالم ثبوت یا اثبات مواجه نیست.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- با این همه، اگر بخواهیم قانونی برای جامعه وضع کنیم که اختصاص به زمان و مکان خاصی نداشته باشد، راهی جز پذیرش انتخاب مردم، نخواهیم داشت. (۱۷۱)
- (۱۷۱) از این رو، نمایندگان خبرگان قانون اساسی با پذیرش «نظریه‌ی انتصاب»، در قانون اساسی مسئله انتخاب مردم را پذیرفتند. البته آنان شیوه‌ی انتخاب غیر مستقیم را که با روح نظریه‌ی انتصاب سازگارتر است، بر انتخاب مستقیم ترجیح دادند.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- توضیح مطلب آن که: هر چند نصب تمامی فقها واجد شرایط به عنوان ولی، مشکلی در عالم واقع یا مفاد ادله ندارد و در حوزه‌ی وظایف فردی، هر کس می‌تواند به فقیهی که او را واجد شرایط می‌داند، مراجعه کند و در امور ولایی از او مدد جوید. (۱۷۲)
- (۱۷۲) همان شیوه‌ای که در مورد مراجع عظام از گذشته تا حال وجود داشته است.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱

امکان‌النصب العام

- ولی‌هنگامی که به این امر به عنوان یک وظیفه‌ی اجتماعی و در قالب اداره‌ی جامعه نظر کنیم و بخواهیم برای چنین صورتی - حتی بر اساس «نظریه‌ی انتصاب» که نظریه صحیحی است - قانون وضع نماییم، چاره‌ای جز برگزیدن شیوه‌ی انتخاب نداریم.

امکان‌النصب العام

- البته در اینجا انتخاب به روح «تعیین فقیه واجد شرایط» صورت می‌گیرد، نه به روح «تعیین ولی» از میان فقهای واجد شرایط «که در نظریه‌ی انتخاب مطرح است. یعنی مردم فقیهی را که حائز شرایط ولایت است، می‌یابند و بر می‌گزینند؛ نه اینکه از میان حائزین شرایط، با انتخاب خود ولی را تعیین کنند.

ولایت و دیانت (جستارهایی در اندیشه‌ی نظام سیاسی
اسلام)، مهدی هادوی تهرانی، صص ۱۰۲-۱۱۱